

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی (۲۳)، زمستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۶

صص ۱۸ ° ۱

بررسی عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی در شهر شیراز

عبدالعلی لهسایی زاده^۱، مرضیه مردانی^{۲*}، بهزاد حکیمی نیا^۳

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی در شهر شیراز است. روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره است. آزمودنی‌های این پژوهش شامل ۱۰۰ نفر است که با نمونه گیری تصادفی در دسترس گزیده شده‌اند. ابزارهای پژوهش عبارت است از پرسشنامه که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی آن برابر با ۸/۹ شده است. همچنین برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده و یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بین تعارضات زناشویی با تحصیلات زوجین، اشتغال زنان، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، رضایتمندی جنسی، میزان اعتماد به نفس، دخالت خانواده‌ها و عدم تفاهم و عدم تجانس فرهنگی و اعتقادی و

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
Lahsaei@ros.shirazu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
Mardani.marzieh@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
hakiminya@gmail.com

همچنین اعتیاد رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تعارضات زناشویی، زوجین، خانواده، ازدواج.

مقدمه و بیان مسأله

ازدواج یک پدیده اجتماعی و پیوند مشترک دو فرد با حفظ استقلال نسبی هر یک در جهت تکامل شخصیت و شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های طرفین است. ازدواج پیمانی مقدس، شرعی و قانونی بین زن و مرد برای شرکت در یک زندگی اجتماعی جدید با یکدیگر است که ثمره آن آرامش، ایثار و محبت خواهد بود. در ازدواج مرد و زن به طور آزادانه و کامل طی یک دوره زمانی نامشخص متعهد به یکدیگر می‌شوند، تا واحد پویایی به عنوان خانواده ایجاد کنند (واقعی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴). خانواده بنیادی‌ترین تشکّل اجتماعی است و اصلی‌ترین جزء اجتماع است. دستیابی به جامعه سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن ارتباط مطلوب با یکدیگر است (سودانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸).

در بسیاری از فرهنگ‌ها به خانواده و روابط زناشویی به منزله منبع اولیه حمایت و عاطفه نگریسته می‌شود و از همسران انتظار می‌رود تا یک رابطه انحصاری، صداقت، علاقه، عاطفه و نیز صمیمیت و حمایت از خود نشان دهند، تقریباً تمامی زوج‌ها در ابتدای زندگی زناشویی سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند، اما این رضایت در خلال زمان کاهش می‌یابد (سلطانی علی آبادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۸). در واقع در فرایند چرخه زندگی خانواده، مسائل و مشکلاتی پیش می‌آید که آرامش آن هر چند برای مدت کوتاهی سلب می‌شود. این مسائل در سطح خرد مربوط به ساختارها و کارکردهای خانواده و در سطح کلان مربوط به ساختارهای اجتماعی است (منصوریان و فخراپی، ۱۳۸۶: ۷۶). صرف نظر از دلایل سلب آرامش در خانواده، زوج‌ها در جوامع امروزی برای برقراری روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسران خود با مشکلات متعددی مواجه هستند، بنابراین یکی از مشکلات شایع در خانواده، تعارض زناشویی است (صلاحیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲).

تعارض به موازات عشق در روابط زناشویی و زمانی پیش می‌آید که اعمال یک فرد با اعمال فرد دیگر تداخل پیدا می‌کند. همچنین که دو فرد به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند نیروی

تعارض نیز افزایش می یابد (سودانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸). برخی از صاحب نظران جامعه شناسی خانواده نیز به پیروی از نظریه پردازان مکتب کلاسیک تضاد بر اجتناب ناپذیر بودن تعارضات خانوادگی اشاره می کنند. به نظر آنها بروز تعارضات جزء ماهیت نهاد خانواده است. وقتی واقعیت تعارضات خانواده قابل انکار نیست، نیاز به مطالعه و پژوهش آن اهمیت پیدا می کند، زیرا تنها از طریق تحقیق علمی است که می توان میزان تعارضات حاکم بر خانواده و عوامل آن را شناسایی کرد (اینفانت و همکاران، ۱۹۹۴).

تعارض ممکن است اشکال مختلف داشته باشد و به صورت افسردگی یکی یا هر دو زوج، سوء رفتار با همسر و درگیری لفظی و فیزیکی بین هر دو زوج بروز کرده و نهایتاً به طلاق منجر می شود (سایرز و همکاران، ۲۰۰۱). نوع اخیر شایعترین نحوهی بروز تعارض است و گواه آن آمار بالای طلاق در کشورهای غربی است به طوری که شیوع آن به بیش از ۵۰ درصد می رسد. در کشور ما نیز بر اساس آمارهای موجود، میزان طلاق در سال های مختلف بین ۱۱ تا ۱۶ درصد در نوسان است که در مجموع حاکی از افزایش آن است (حکیمی تهرانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). برخی از تحقیقات انجام گرفته در کشورهای مثل امریکا و کانادا نشان می دهد که فراوانی و شدن تعارضات خانواده بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی است. هم جوانان و هم بزرگسالان تعارضات خانواده خود را در مقایسه با تعارضات خودشان با دوستان و همکاران بیشتر و ناگوارتر گزارش کرده اند (اینفانت و همکاران، ۱۹۹۴).

ناگواری تعارضات خانوادگی محدود به خانواده نشده و در سطح نهادی و اجتماعی نیز مسائل و تنگنمایی را بوجود می آورد. در سطح فردی اعضای خانواده ای که در تعارض با یکدیگر قرار می گیرند، تعادل روانی خود را از دست می دهند و چه بسا رفتارهای مثل پرخاشگری و افسردگی در آنها دیده می شود. اگر چه افراد ازدواج کرده به نسبت افراد مجرد از سلامت روان بیشتری برخوردارند، ولی تعارضات خانواده ممکن است سلامت افراد را به خطر انداخته و بیماری های جسمی و روحی مختلفی به دنبال داشته باشد. در میان ۳۰ درصد از زوج های ازدواج کرده در ایالات متحده پرخاشگری فیزیکی روی می دهد که در ۱۰ درصد آنها به صدمات شدید منجر می شود. به علاوه از آنجا که فرزندان خانواده های از هم گسیخته که پیش از جدایی کامل تعارضات گوناگون داشته اند، احتمال کمی دارد که تحصیلات خود

را به پایان برسانند و وارد دانشگاه شوند و از آنجا که تحصیلات عاملی تعیین کننده و کلیدی در موفقیت اقتصادی است، در دراز مدت این امر موجب نابسامانی اقتصادی می شود. در سطح نهاد خانواده عواقب تعارض به وجود آمده نه تنها گریبانگر همه اعضای خانواده می شود، بلکه خویشان، نزدیکان، بستگان و آشنایان آنها را هم ممکن است تحت تأثیر قرار دهد (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۶: ۷۷ و ۸۰). این تعارضات به وحدت و یکپارچگی خانواده صدمه می زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق و پرخاشگری و ستیزه جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می گردد. کانون خانوادگی که بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین زن و شوهر آشفته است آثار مخربی در حیات کودکی فرزندان و خانواده به جای می گذارد که در سال های آتی به صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می کند (سودانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۸). در سطح اجتماعی آثار و پیامدهای تعارض اگر شدت داشته باشند بحران ساز هستند. در جامعه ما برخی از مسائلی که در یک دهه اخیر افزایش پیدا کرده است، مانند ازدیاد دختران فراری، افزایش زنان خیابانی، افزایش طلاق، اعمال خشونت علیه زنان و نظایر آن حاکی از افزایش تعارضات خانوادگی است. بسیاری از مشکلات حادی که برای اعضای خانواده در فرایند زندگی مشترک پیش می آید، از جمله طلاق، خشونت و کودک آزاری از بروز تعارض میان اعضای اصلی خانواده نشأت می گیرد. تعارضات و اختلافات جزئی که بین همسران بر سر مسائل گوناگون بوجود می آید، اگر به موقع و با درایت طرفین حل و فصل نشود، دلیل تضادهای عمده تر شده و روابط بین اعضای خانواده را تاریک می کند. از آنجا که در جامعه ما بسیاری از مسائل خانوادگی به بیرون گزارش نمی شود و اغلب خانواده ها آن را امری محرمانه و خصوصی تلقی می کنند، دست یافتن به اطلاعات دقیق در این مورد دشوار است. مسأله دار بودن روابط اعضای خانواده زمانی برایمان آشکار می شود که تعارضات آنقدر شدت یافته که منجر به طلاق و جدایی می شود. پس تعارضات خانواده یک مسأله بوده و دارای سوء کارکرد است. از آنجا که نهاد خانواده یکی از نهادهای عمده اجتماعی است و با آنها ارتباط دارد، مشکلات بوجود آمده در آن از دایره ی روابط خانوادگی فراتر رفته، سایر نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این صورت می توان گفت که تعارضات بوجود آمده در خانواده یک مشکل اجتماعی است. تعارضات موجود در خانواده ممکن است

بین همسران با یکدیگر، کودکان با یکدیگر و یا والدین با فرزندان به وجود آید. از آنجا که معمولاً کودکان اینگونه رفتارها را از والدین فرا می گیرند، در این صورت تعارضات بین همسران اهمیت بیشتری دارد و این مطالعه به بررسی این موضوع محدود شده است (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۶: ۷۸ و ۷۹). با وجود همه این مسائل، در جامعه ما اگر چه تحقیقات زیادی درباره تعارضات خانوادگی انجام شده است، ولی بسیاری از این پژوهش ها نمونه های مورد مطالعه خود را از میان خانواده های طلاق گرفته و یا خانواده هایی که به مراجع قضایی مراجعه نموده، انتخاب کرده اند (خلیلی، ۱۳۸۷: ۶). در حالی که بسیاری از تعارضات که در خانواده ها گزارش می شود به بیرون از خانواده گزارش نمی شود، در این صورت شناخت علمی چنین تعارضاتی اهمیت فراوانی پیدا می کند. با مطالعه و ارائه راهکارهایی برای کاهش تعارضات می توان از تشدید تعارضات و سوق یافتن خانواده ها به سوی از هم پاشیدگی جلوگیری نمود. با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به حل این معماهاست که در زندگی زناشویی چرا عشقی که می تواند به اوج برسد تنزل می کند و در پشت ابری از ناامیدی و دلنگی پنهان می شود؟ چه بسیار زوج هایی که زندگی سعادتمندی را انتظار داشته اند و کارشان به ملامت کشیده است و در حالت کسالت زندگی می کنند. چرا زن و شوهرهایی که قبلاً سر همه چیز تفاهم داشته اند، اکنون بر سر هیچ چیزی تفاهم ندارند؟ چگونه است که زن و شوهرها از بیداری به توهم، از شیفستگی به بیزاری و از رضایت به نارضایتی می رسند.

مروری بر پیشینه پژوهش

در این قسمت سعی می شود تا خلاصه ای از مطالعات داخلی و خارجی که توسط دیگران در رابطه با موضوع مورد مطالعه صورت گرفته است و یا اینکه به لحاظ نظری، روش شناختی و موضوع ارتباط نزدیکی دارد بررسی شود. در نهایت، به بررسی انتقادی از این مطالعات به نقد آنها پرداخته و این مطالعه در جهت پر کردن شکافهایی که در مطالعات پیشین وجود دارد هدایت شود.

خسروی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه سبک های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرج" تعداد

۲۰۰ زوج (۴۰۰ نفر) از زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره به روش نمونه گیری در دسترس و با استفاده از ابزار پرسشنامه را مورد کاوش قرار گرفتند و این نتیجه حاصل شد که زوج های بدون تعارض نسبت به زوج های دارای تعارض بیشتر یکدیگر را می بخشند.

سودانی و همکاران (۱۳۸۹) مقاله ای با عنوان "اثر بخشی زوج درمانی رفتاری ارتباطی برنشتاین بر تعارضات زناشویی" را انجام داده اند. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوج های شهر اهواز و نمونه ی مورد مطالعه ۲۸ زوج است که نمره آنها در تعارضات زناشویی بالاتر از یک انحراف معیار است. نمونه انتخاب شده از طریق نمونه گیری تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایش انتخاب شدند. نتایج گویای آن است که بهبود شیوه رفتاری ارتباطی بر کاهش تعارضات زناشویی موثر است.

همچنین محمدخانی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "رابطه خشونت جنسی با نگرش های زناشویی و همراهی انواع خشونت جنسی در روابط زناشویی" تعداد ۲۳۰ زوج را با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در شهر تهران به انجام رساندند و به این نتیجه رسیدند که نگرش های زناشویی نارسا نقش قابل توجهی در شکل گیری و تداوم خشونت جنسی ایفا می کند.

سعیدیان (۱۳۸۲) در پایان نامه ای با عنوان "بررسی رابطه ی بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی" را به انجام رسانده اند. ایشان ۶۷ زن و مرد را مورد کاوش قرار داده اند و به این نتیجه می رسند که بین ساختار قدرت در خانواده و تعارضات زناشویی رابطه ای معنادار وجود دارد.

سیلارس و همکاران (۲۰۰۸) در نوشتاری با عنوان "شناخت تعارض در طی زندگی: رابطه بین تفکر و گفتار زوج که در زندگی تعارض داشتند را مورد کنکاش قرار دادند و به این نتیجه می رسند که بین گفتار و تضاد و تعارض رابطه وجود دارد، کسانی که تضاد و تعارض بیشتری را در زندگی تجربه می کنند کسانی هستند که مهارت ارتباطی کمتر، و خشونت بیشتری در کلامشان دارند.

هانسون و لند بلند (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که آموزش مهارت های ارتباطی و حل تعارض به زوجینی که در تعاملات زناشویی مشکل داشتند، باعث بهبود روابط زناشویی و

کاهش تعارضات و افزایش سلامت روان در آن می گردد.

وینسنت، ویشز و گری (۲۰۰۶) در پژوهش خود با عنوان "تحلیل رفتار حل مسأله در بین زوجین آشفته و غیر آشفته" از فرایند حل تعارض زوجین آشفته و غیر آشفته تحلیلی به عمل آورند. نتیج حاکی از آن بود که زوجین آشفته در مقایسه با زوجین غیر آشفته به میزان بیشتری از رفتارهای تعارض منفی و به میزان کمی از رفتارهای حل تعارض مثبت استفاده می کنند.

گر چه در جامعه ما تحقیقات زیادی در ارتباط با تعارضات زناشویی انجام شده است، اما تعداد بسیاری از این پژوهش ها خانواده های طلاق گرفته یا خانواده هایی که به مراجع قضایی مراجعه نموده اند را به عنوان نمونه مورد مطالعه خود برگزیده و کمتر به زوج هایی که به مراکز مشاوره مراجعه نموده و شاید هنوز خواستار حفظ زندگی و حل معضل خانوادگی خود هستند توجه شده است، لذا این نوشتار در جهت پر کردن خلاء و شکاف موجود در پژوهش های انجام شده صورت خواهد گرفت.

چارچوب نظری پژوهش

عمده ترین نظریه هایی که در جامعه شناسی به بررسی تعارضات و اختلافات خانواده پرداخته است، شامل دیدگاه پدرسالاری، نظریه منابع، نظریه تضاد، نظریه فمینیستی و نظریه مبادله است. از آنجا که چارچوب نظری این پژوهش بیشتر بر پایهی نظریه کالینز قرار گرفته است، به بحث پیرامون نظریه کالینز پرداخته میشود. برای پاسخ دادن به اینکه چرا تضاد و خشونت در ازدواج های امروز روی میدهد، چهار تبیین اصلی جامعه شناختی وجود دارد که عبارتند از: حق مالکیت جنسی، فشارهای اقتصادی، انتقال بین نسلی تعارضات، کنترل اجتماعی. حق مالکیت جنسی: نگرش سنتی پدرسالاری مبتنی بر این ایده است که زنان ازدواج کرده از لحاظ اقتصادی، جنسی و احساسی بخشی از دارایی شوهران خود بشمار میروند. فشارهای اقتصادی بنظر کالینز (کالینز و کلترانس، ۱۹۹۱، به نقل از عنایت و همکاران) میزان تعارضات خانواده در هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می کند، بویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا میکند. چنین خانواده هایی درک خیلی سنتی از نقش های جنسیتی دارند و چنین می پندارند که شوهر به عنوان تأمین کننده اقتصادی و رئیس خانواده

است.

انتقال بین نسلی تعارضات: شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه تعارضات خانواده بویژه خشونت علیه زنان از نسل‌های قبلی به نسل بعد منتقل می‌شود. کنترل اجتماعی: بنظر کالینز، ازدواج امری است که طی یک فرایند معامله و مذاکره حتی در سطح نمادی و احساسی بوجود می‌آید. بنظر وی تمام خانواده‌ها در شرایطی دچار تعارض میشوند. این تعارضات گاهی اوقات ممکن است منجر به خشونت شود (کالینز، ۱۹۹۸؛ کالینز، ۲۰۰۴، به نقل از عنایت و همکاران).

منابع قدرت در خانواده شامل وضعیت اشتغال زن و مرد، شبکه روابط اجتماعی هر کدام از آنها، موقعیت‌های جنسی، میزان درآمد و میزان تحصیلات است.

فرضیه‌های پژوهش

- بین تحصیلات زوجین و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال زنان و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین فاصله سنی زوجین و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین طول مدت ازدواج و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین رضایتمندی جنسی و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین میزان اعتماد به نفس پاسخگویان و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین بیماری روانی و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین دخالت خانواده‌ها و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین تفاوت فرهنگی زوجین و تعارضات زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق به روش پیمایش انجام شده است و واحد تحلیل در آن خانواده است. جامعه آماری این مطالعه مراجعه کنندگان دارای مشکلات خانوادگی به مراکز مشاوره در سطح شهر شیراز بودند. بدین منظور با مراجعه به مراکز مختلفی چون سازمان ملی جوانان، سازمان

بهزیستی، انجمن روانشناسی، و آموزش و پرورش فهرستی از مراکز مشاوره تهیه شد. سپس با مراجعه به مراکز مختلف مشاوره، افراد شناسایی و پرسشنامه مورد نظر در میان آنان توزیع گردید و سپس اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه مشخص شد. شیوه نمونه گیری تصادفی و در دسترس است. برای گردآوری داده‌ها و به منظور شناسایی مهمترین موضوعات تعارضات خانوادگی، مطالعه مقدماتی از طریق تنظیم پرسشنامه ای با سؤالات باز انجام گردید و با چند نفر از مشاوران خانواده و مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره (حداقل ۳ نفر از هر گروه) مصاحبه عمیق صورت گرفت و اطلاعات لازم در این زمینه گردآوری گردید. پس از بررسی نظرات این افراد و استفاده از پیشینه تحقیق، فهرستی از مهمترین تعارضات خانوادگی تهیه و پرسشنامه‌های با سؤالات بسته بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردید. پس از بازنگری و بهره گیری از نظرات اساتید دانشگاه، پرسشنامه نهایی این تحقیق تهیه و از پاسخگویان خواسته شد تا میزان اهمیت هر کدام از عناوین تعارضات خانوادگی موجود را براساس گزینه های همیشه، خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم انتخاب نمایند.

یافته های پژوهش:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴۰/۴ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۳۰ سال و کمتر و ۵۰/۴ درصد از همسران مراجعان نیز در رده سنی ۳۰ سال و کمتر قرار دارند، همچنین ۵۵/۸ درصد از مراجعه کنندگان زن و مابقی مرد هستند. ۳۴/۶ درصد از مراجعان گزارش می‌دهند که به مدت ۱ تا ۵ سال از شروع زندگی آنها می‌گذرد. بیشترین درصد افراد ۴۲/۳ درصد در رده دیپلم و کمترین درصد ۲/۵ درصد از آنان در رده فوق لیسانس و دکتری قرار دارند. همچنین ۶/۲ درصد ابتدایی و ۱۷/۷ درصد در مقطع راهنمایی و دبیرستان و ۱۳/۳ درصد نیز در مقطع فوق دیپلم و لیسانس قرار گرفته‌اند. ۲۰ درصد از مجموع پاسخگویان را زنان شاغل و ۸۰ درصد را زنان خانه دار تشکیل می‌دهند. ۷۳ درصد از مراجعان اظهار می‌دارند که نوع آشنایی با همسرشان خواستگاری و سنتی و مابقی آشنایی شان دوستی بوده است.

داده های جدول زیر نشان می‌دهد که مردان و زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره، تفاوت در آداب و رسوم خانوادگی را عامل زمینه ساز اختلاف دانسته‌اند. نگاهی موشکافانه به

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که به غیر از تفاوت خانواده‌ها در آداب و رسوم گویه‌های دیگر به نوعی با تقیدات مذهبی افراد در ارتباط است.

جدول شماره ۱ فراوانی علل تفاوت اعتقادی و فرهنگی بین زوجین

درصد	فراوانی	تفاوت اعتقادی و فرهنگی
40.3	53	تفاوت خانواده‌ها در آداب و رسوم
13.8	25	عدم پوشش مناسب و ارتباطات خارج از محدوده خانوادگی
8.3	15	نخواندن نماز و روزه
3.9	7	صرف زمان زیاد در تماشای برنامه‌های مبتذل
2.2	4	مصرف مشروبات الکلی

همانطور که ملاحظه می‌گردد ۳۳/۱ درصد از زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره اظهار داشته‌اند که خانواده تا حدی به زوجین در حل مشکلاتشان کمک می‌کنند، اما یافته قابل تأمل این است که ۲۲/۱ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خانواده‌ها با راهکارهای اشتباه خود موجب تشدید اختلاف بین زوجین می‌شوند.

جدول شماره ۲ فراوانی تاثیر خانواده‌ها در اختلاف بین زوجین

درصد	فراوانی	تاثیر خانواده‌ها در حل اختلاف
6.16	30	زیاد
1.33	60	تا حدی کمک می‌کنند
1.22	40	با راهکارهای اشتباه خود موجب تشدید اختلاف می‌شوند
2/23	42	بی تفاوت هستند و کمکی به حل مشکل نمی‌کنند

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاور خانواده، مهمترین عوامل عدم تفاهم با همسرانشان را به ترتیب تفاوت طبقاتی، ازدواج اجباری و عدم علاقه بیان کرده‌اند.

جدول ۳ فراوانی علل عدم تفاهم بین زوجین

درصد	فراوانی	عدم تفاهم زوج
48.5	118	تفاوت طبقاتی
6.20	60	ازدواج اجباری و عدم علاقه
7.0	27	داشتن رابطه دوستانه قبل از ازدواج
8.7	22	تفاوت سنی بالا
5.2	6	پایین بودن تحصیلات

جدول ۴ نمایانگر بررسی رابطه میان تحصیلات و اختلافات خانوادگی ست. حاصل محاسبات رگرسیون ($Sig=0/003$) حاکی از وجود رابطه بین این دو متغیر است. مقادیر بدست آمده بیانگر این مطلب بود که بالا بودن سطح تحصیلات زوجین عامل تفاهم و تداوم زندگی است. بنابراین، میتوان اذعان داشت که یکی از عوامل استحکام خانواده‌ها بالا بودن سطح سواد و است، زیرا این عامل موجبات افزایش آگاهی آنها را در جهت حل مسایل و مشکلات زندگی و موجبات تفاهم بیشتر و در نهایت تداوم زندگی آنها را فراهم می‌کند.

جدول ۴ آزمون رابطه سن پاسخگویان با تعارضات زناشویی

Sig	F	B	Std.E	R^2 . Ad	R^2	R	تحصیلات پاسخگو
0.003	81/8	256/0	086/0	013/0	015/0	121/0	تعارضات زناشویی

فرضیه دوم رابطه میان وضعیت اشتغال زنان و اختلافات خانوادگی در جدول ۵ به نمایش گذاشته شده و همانگونه که مشاهده می‌شود، از آزمون تی مستقل برای دریافت تفاوت معناداری میان زنان شاغل و خانه دار استفاده شده است با توجه به مقدار تی بدست آمده که برابر با $00/2$ و سطح معنی داری محاسبه شده که 0.196 است، رابطه میان این دو متغیر مشاهده نمی‌شود.

جدول ۵ آزمون رابطه وضعیت اشتغال زنان با تعارضات زناشویی

نام متغیر	وضعیت اشتغال	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	t	sig
وضعیت اشتغال	شاغل	903/3	504/0	92/43	00/2	196/0
	خانه دار	165/5	222/0	54/42		

جدول ۶ نیز به بررسی ارتباط میان فاصله سنی زوجین و تعارضات زناشویی اختصاص یافته است. همانگونه که در جدول مشاهده می شود با توجه به مقدار Sig به احتمال 95 درصد هر چه فاصله سنی بین زن و شوهرها کمتر باشد تفاهم آنها بیشتر و اختلافات و تشنج بین آنها کمتر خواهد بود.

جدول ۶ آزمون رابطه فاصله سنی با تعارضات زناشویی

فاصله سنی زوجین	R	R ²	R ² . Ad	Std.E	B	F	Sig
تعارضات زناشویی	093/0	009/0	007/0	050/0	114/0	20/5	023/0

فرضیهی چهارم این پژوهش به بررسی ارتباط میان طول مدت ازدواج و اختلافات خانوادگی می پردازد. نتایج مویید این مطلب است که هر چه مدت زمان کمتری از ازدواج زن و شوهرها بگذرد، به احتمال بسیار قوی (۹۹ درصد) تعارض بیشتری را در خانه و خانواده تجربه می کنند. هماهنگ با یافته پژوهش عنایت و همکاران (۱۳۹۰) زوجین دارای سابقه ازدواج بیشتر، مشکلات کمتری در زمینه دخالت خانوادگی اصلی، مشکلات اقتصادی و تفاوتهای فرهنگی تجربه می کنند که این امر میتواند در کاهش اختلافات زناشویی موثر باشد.

جدول ۷ آزمون طول مدت ازدواج با تعارضات زناشویی

طول مدت ازدواج	R	R ²	R ² . Ad	Std.E	B	F	Sig
تعارضات زناشویی	163/0	026/0	025/0	022/0	089/0	27/16	000/0

نتیجه جدول زیر با توجه به سطح معناداری، تاثیر عدم رضایت از رابطه جنسی بر افزایش تعارضات زناشویی را نشان می دهد.

جدول ۸ آزمون رضایتمندی جنسی بین زوجین با تعارضات زناشویی

نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معنی داری
93/0	50/0	000/0
7/0		
		رضایت بخش بودن
		عدم رضایت

نتایج گویای آن است که بین میزان عزت نفس پاسخگویان و میزان تعارضات زناشویی ارتباطی معنادار وجود دارد. به عبارتی افراد با اعتماد به نفس بالاتر تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می کنند. عزت نفس عامل مهمی برای پیشرفت و موفقیت افراد در همه کارها و در زندگی زناشویی است و محیط نیز نقش تاثیر گذاری در شکل گیری آن دارد، و رضایت زناشویی حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش است. رضایت زناشویی، احساسات عینی از خشنودی، و رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهری است که همه جنبه های ازدواجشان را مدنظر قرار می دهند. وقتی فرد ارزیابی مثبت از خصوصیات خود داشته باشد دارای عزت نفس بالا و وقتی نتیجه این ارزیابی منفی باشد دارای عزت نفس پایین است. افرادی با عزت نفس بالا دارای هدف های عالی تر و متعددی هستند و شوق زیادی دارند تا با موفقیت های تازه و موضوعاتی روبه رو شوند که استعداد و نیروهای آنها را به طور عمده به کار می گیرد. با توجه به تاثیر عزت نفس بر رضایت زناشویی در این پژوهش نیز فرضیه های زیر مورد آزمون قرار گرفت (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۰۴).

جدول ۹ آزمون رابطه عزت نفس با تعارضات زناشویی

عزت نفس	R	R ²	R ² .Ad	Std.E	B	F	Sig
تعارضات زناشویی	165/0	027/0	025/0	030/0	123/0	66/16	000/0

فرضیه بعدی، ارتباط میان بیماری های روانی زوجین و تعارضات زناشویی است. نتایج حاصله این ارتباط را تایید نکرده است.

جدول ۱۰ آزمون رابطه بیماری های روانی با تعارضات زناشویی

بیماری های روانی	R	R ²	R ² .Ad	Std.E	B	F	Sig
تعارضات زناشویی	041/0	002/0	000/0	049/0	050/0	02/1	313/0

فرضیه هشتم ارتباط میان دخالت خانواده ها و تعارضات زوجین را موشکافی می کند . مقدر به دست آمده تفاوت معنی داری را میان میزان دخالت خانواده ها و اختلاف بین زوجین نشان می دهد، به عبارتی با افزایش دخالت خانواده های هر یک از زن و شوهرها خانه و کاشانه ی زوجین بیشتر محل تشنج و ناآرامی و اختلاف است.

جدول ۱۱ آزمون رابطه دخالت خانواده ها با تعارضات زناشویی

Sig	F	B	Std.E	R ² .Ad	R ²	R	دخالت خانواده ها
000/0	92/55	025/1	137/0	084/0	086/0	292/0	تعارضات زناشویی

فرضیه نهم را نیز به رابطهی میان تفاوت های فرهنگی پاسخگویان و تعارضات زناشویی اختصاص می دهیم .نتایج رگرسیون گویای آن است که رابطه میان این دو متغیر در سطح 049/0 و با احتمال ۹۵ درصد مورد تایید قرار می گیرد .بنابراین می توان نتیجه گرفت که هر چه تفاوت فرهنگی بین زوجین بیشتر باشد به احتمال ۹۵ درصد تعارضات بین آنان نیز شدت می یابد.

جدول ۱۲ آزمون رابطه تفاوت های فرهنگی با تعارضات زناشویی

Sig	F	B	Std.E	R ² .Ad	R ²	R	تفاوت های فرهنگی
049/0	77/3	028/0	014/0	005/0	006/0	079/0	تعارضات زناشویی

در جدول ۱۳ به بررسی رابطه اعتیاد با تعارضات زناشویی می پردازیم .همانگونه که انتظار میرفت رابطه بین این دو متغیر مورد تایید واقع گردید و اعتیاد همسر به احتمال بسیار قوی ۹۹ درصد یکی از مهمترین عواملی است که موجبات تشنج و ناسازگاری بین زوجین را فراهم می آورد.

جدول ۱۳ آزمون رابطه اعتیاد با تعارضات زناشویی

sig	t	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	وضعیت اعتیاد	نام متغیر
001/0	47/2	779/4	47/2	001/0	معتاد	اعتیاد
		530/7	222/0	165/5	سالم	

نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل تاثیرگذار بر تعارضات بین زوجین صورت گرفت. بدین منظور با استفاده از نظریات و تحقیقات انجام شده از سوی سایر محققان تعدادی متغیر مستقل در قالب تعدادی فرضیه طرح گردید و سپس متغیرها در قالب یک پرسشنامه در اختیار نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۰ نفر از افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر شیراز قرار گرفت. سپس داده های گردآوری شده به منظور آزمون فرضیات در چند سطح تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره و F تست مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که ۴۰/۴ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۳۰ سال و کمتر و ۵۰/۴ درصد از همسران مراجعان نیز در رده سنی ۳۰ سال و کمتر قرار دارند، همچنین ۵۵/۸ درصد از مراجعه کنندگان زن و مابقی مرد هستند. ۳۴/۶ درصد از مرجعان گزارش می دهند که به مدت ۱ تا ۵ سال از شروع زندگی آنها می گذرد. بیشترین درصد افراد ۴۲/۳ درصد در رده دیپلم و کمترین درصد ۲/۵ درصد از آنان در رده فوق لیسانس و دکتری قرار دارند. همچنین ۶/۲ درصد ابتدایی و ۱۷/۷ درصد در مقطع راهنمایی و دبیرستان و ۱۳/۳ درصد نیز در مقطع فوق دیپلم و لیسانس قرار گرفته اند. ۲۰ درصد از مجموع پاسخگویان را زنان شاغل و ۸۰ درصد را زنان خانه دار تشکیل می دهند. ۷۳ درصد از مراجعان اظهار می دارند که نوع آشنایی با همسرشان خواستگاری و سنتی و مابقی آشنایی شان دوستی بوده است. ۳۳/۱ درصد از زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره اظهار داشته اند که خانواده تا حدی به زوجین در حل مشکلاتشان کمک می کنند، اما یافته قابل تأمل این است که ۲۲/۱ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که خانواده ها با راهکارهای اشتباه خود موجب تشدید اختلاف بین زوجین می شوند. همچنین نتایج نشان می دهد که مردان و زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره، تفاوت در آداب و رسوم خانوادگی را عامل زمینه ساز اختلاف دانسته اند.

تحصیلات زن و مرد از متغیرهایی بود که رابطه ای معنادار با اختلافات خانوادگی نشان داد. در خانواده هایی که تحصیلات زن و شوهر در سطح پایینی قرار داشته، اختلاف بیشتری بین همسران بوجود آمده است. بنابراین، میتوان اذعان داشت که یکی از پایه های استحکام خانواده ها بالا بودن سطح سواد است. این یافته با یافته های پژوهش هاردستی (۱۹۸۰) همخوانی

دارد. بر اساس آن رابطه بین سازگاری زناشویی با تحصیلات بالای زوجین و برجستگی حرفه‌ای آنان تأیید شد. همچنین، این نتیجه با نتایج پژوهش هاوسک نشت (۱۹۸۱) که زنان دارای تحصیلات بالاتر از سازگاری زناشویی بالاتری برخوردارند، همسو است (عنایت و همکاران، ۱۳۹۰).

برای دریافت تفاوت معنادار میان زنان شاغل و خانه دار از آزمون تی مستقل استفاده شده است. این آزمون رابطه‌ای معنادار میان وضعیت اشتغال زنان و اختلافات خانوادگی نشان نداد. از دیگر متغیرهای مورد بررسی رضایتمندی جنسی زوجین است، تفاوت معناداری میان همسرانی که از رابطه جنسی خود رضایت دارند با زوجینی که رابطه جنسی خوبی را تجربه نمی‌کنند، وجود دارد. به عبارتی همسرانی که از ارتباط جنسی با یکدیگر رضایت بیشتری دارند، اختلاف و تعارض کمتری را تجربه می‌کنند. متغیری که رابطه‌ای معنی دار با اختلافات خانوادگی نداشت، بیماری روانی است.

متغیر دیگر طول مدت ازدواج است که رابطه‌ای معنادار با اختلافات خانوادگی نشان داد. یافته‌های پژوهش رحمت الهی (۱۳۸۵) نیز نشان داد که زوجین دارای سابقه ازدواج بیشتر، مشکلات کمتری در زمینه دخالت خانوادگی اصلی، مشکلات اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی تجربه می‌کنند. این امر می‌تواند در کاهش اختلافات زناشویی موثر باشد.

همچنین نتایج بیانگر ارتباط بین عزت نفس و تعارضات زناشویی است. بنابراین با توجه به اهمیت عزت نفس و ارتباط آن با رفتار و اعمال انسان خصوصاً "در بعد خانوادگی عزت نفس باعث می‌شود فرد احساس کند عضو با ارزش خانواده خود و از محبت و احترام برخوردار است و از طرفی نقشی که عزت نفس بر رضایت زناشویی دارد پیشنهاد می‌شود در خانواده و در مدارس و مراکز آموزش عالی و همچنین در رسانه‌های گروهی نسبت به این امر توجه شده و با بالا بردن آگاهی‌های عمومی نسبت به اهمیت عزت نفس و راه‌های دستیابی به آن و تاثیر آن بر رضایت زناشویی لازم است بستری مناسب فراهم گردد. از عوامل تاثیرگذار دیگر بر تعارضات عدم تجانس فرهنگی همسران و خودباوری و دخالت خانواده‌هاست.

منابع

- ۱- پور دهقان، محمد، شهناز محمدی و علیرضا محمودنیا (۱۳۸۷). رابطه بین عزت نفس و رضایت زناشویی معلمان مدارس راهنمایی. فصلنامه روان شناسی کاربردی. سال ۲، شماره ۴ (۸).
 - ۲- حکیمی تهرانی لیلا، مریم فاتحی زاده، ایران باغبان و سیداحمد احمدی. (۱۳۹۱). اثر بخشی آموزش امنیت هیجانی بر تعارضات زناشویی و بهزیستی ذهنی زنان متأهل. فصلنامه علمی ° پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره سوم.
 - ۳- خسروی زهره، محمدرضا بلیاد، فرزانه ناهیدپور و شهدخت آزادی (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرج. فصلنامه علمی ° پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم.
 - ۴- سودانی منصور، نفیسه ریگی نژاد و حسین کمال الدینی (۱۳۸۲). مقایسه شباهت ارزش‌ها و نگرش‌ها در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در شهر اهواز: مجله علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۱۰.
 - ۵- صلاحیان، افشین، مسعود صادقی و فاطمه بهرامی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. مطالعات روانشناختی، دوره ششم، شماره دوم.
 - ۶- عنایت حلیمه، منصوره دسترنج و فائز سلمانی (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی. فصلنامه علمی ° پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره اول، بهار.
 - ۷- محمدخانی، پروانه، هدیه آزادمهر و شکوفه متقی (۱۳۸۹). رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراه انواع خشونت در روابط زناشویی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، شماره سوم.
 - ۸- منصوریان، محمدکریم و سیروس فخرایی (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز. مجله تحقیقات زنان، سال دوم، شماره اول.
- 9- Collins, R. (1998). Women and men in the class structure ; journal of family issues, vol.9, pp:27 50.
- 10- Collins, R.; & Coltrane. (1991); sociology of marriage and the family; Nelson-Hill.

- 11- Hannson, K & Lundbland, A. (2006). Couple therapy: Effectiveness of treatment and long term follow up. Journal of family therapy, 28, 136-152.
- 12- Infante, D. A, Myers, S, A& Buerkel, R. A. (1994). Argument and verbal aggression in constrictive family and organizational disagreements. Western Journal of Communication, 58, 73-84.
- 13- Sayers, S. L. Kohn, C. S. Fresco, D. M. Bellak, A. S& Sarwar, D. B. (2001). Marital cognition and depression in the context of marital discord. Cognitive Therapy and Research, 25 (6), 713-732.
- 14- Vincent, J. P. Wisers, R. L & Grey, R (2006). A behavioural analysis of problem solving in distressed marriage and stranger dyads. Behaviour therapy. 6, 4: 475-487.

